

شهادت بر شهادت

در حقوق کیفری ایران و انگلیس

□ علیرضا قرجه‌لو^۱

□ دانشجوی دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

اثبات موضوعات کیفری از دو طریق صورت می‌گیرد: گاه توسط ادله غیرمستقیم، مانند امارات کیفری و گاه توسط ادله مستقیم انجام می‌شود. ادله مستقیم ادله‌ای هستند که در آن برای درک واقعه مجرمانه از حواس پنجگانه استفاده می‌شود. در این مقاله، به بررسی ارزش نقل قول انجام شده نسبت به واقعه کیفری پرداخته می‌شود. بررسی موضوع، با مطالعه تطبیقی در حقوق کامن‌لا و ایران به انجام خواهد رسید. واژگان کلیدی: شهادت بر شهادت، دلیل، اثبات، حقوق انگلیس.

مقدمه

به جهت کثرت دعاوی که با شهادت ثابت می‌شوند، همواره شهادت مورد توجه بوده است. بینه شرعی معادل شهادت می‌باشد و بخصوص در گذشته که سایر طرق اثبات مثل اثر انگشت، «دی.ان.ای» و... وجود نداشته، بینه از طرق مهم اثبات

به شمار می‌رفته است. از مباحث قابل طرح بعد از ویژگیها و صفات شاهد، ارزش اثباتی شهادت بر شهادت می‌باشد.

اهمیت این تحقیق در درک مبانی مفاهیمی از جمله شهادت بر شهادت، در حقوق ایران و انگلیس می‌باشد. منظور از مبانی، میزان تأثیرگذاری قواعد فقهی، حقوقی و عرفی در شکل‌گیری ارزش شهادت بر شهادت می‌باشد. با دیدن ریشه ادله اثبات، از جمله شهادت بر شهادت در ایران (عرف، قواعد فقهی یا حقوقی) و انگلیس (رویه قضایی و نظر دکترین) می‌توان به تقارب یا دوری حقوق دو کشور در این مفهوم از جهت مبانی شکل‌دهنده نظر داد. هرچند که تعمیم نتایج آن در سایر حوزه‌ها دشوار می‌باشد.

هدف از انتخاب این موضوع حل ابهاماتی بود که در مفهوم شهادت بر شهادت نهفته است. اینکه شهادت بر شهادت تا چه درجه‌ای مورد پذیرش بوده و اعتبار آن به چه میزان است؟ در دادگاهها چه ارزشی برای آن قائل هستند و بین رویه و آنچه در قانون هست، تعارض وجود دارد یا نه؟ حقوق انگلیس نیز با تعریف خود از شهادت بر شهادت به درک درست از شهادت بر شهادت کمک بیشتری می‌کند و نقاط ضعف و قوت یک سیستم دیگر با حقوق ایران سنجیده می‌شود.

تأثیر تحقیق فوق حل معضلاتی خواهد بود که احتمالاً دادگاهها در شناخت شهادت بر شهادت با آن روبرو هستند. علی‌رغم پذیرش قانونی، دادگاهها در قبول شهادت بر شهادت با تأمل بیشتری برخورد می‌کنند و احتیاط بیشتری می‌نمایند. شاید این معضل با بیان برخی مصادیق و پرونده‌ها و سپس ارائه راهکارهای حل آنها، کمک بیشتری به تلطیف نظر دادگاههای ایران داشته باشد.

۱. کلیات

از موضوعاتی که در آیین دادرسی قابل بحث می‌باشد، «شهادت بر شهادت» به عنوان یکی از ادله اثبات دعواست. این موضوع به جهت ارتباط بیشتر با مسائل کاربردی، حائز اهمیت است. امروزه در مواردی که شاید هم، کم نباشند، حضور شاهد اصلی متعذر بوده و حکم دادگاه موقوف به شاهد فرعی است. بحث تطبیقی

کمک می‌کند تا ارزش اثباتی شهادت بر شهادت و علت چنین ارزشی، در دو کشور مشخص شده و نحوه برخورد هر کدام، با این دلیل اثباتی معلوم شود.

۱-۱. مفهوم دلیل و بار اثبات

قبل از ورود به مفهوم شهادت بر شهادت ضرورت دارد، دو مفهوم در ایران و انگلیس توضیح داده شود. مفهوم اول دلیل است. در این مفهوم، به آنچه که در دو نظام حقوقی «دلیل» می‌باشد، پرداخته خواهد شد و سپس مفهوم بار اثبات و معیاری که در آن برای سنجش ادله به کار می‌رود، بررسی می‌شود.

۱-۱-۱. مفهوم دلیل

دلیل در حقوق ایران و انگلیس از نظر دکترین تعریف شده است. علی‌رغم انگلیس، در حقوق ایران در قانون نیز، معنای دلیل بیان شده است. در یک معنا، دلیل به عنوان اثبات‌کننده موضوعات می‌باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷: ۳۰۹). این ویژگی است که ماده ۱۹۴ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ ذکر نموده: «دلیل عبارت از امری است که اصحاب دعوا برای اثبات یا دفاع از دعوا به آن استناد می‌نمایند». البته اثبات ممکن است نسبت به یک امر وجودی یا عدمی باشد. امر وجودی مثل شهادت به دیدن قتل و عدمی (فرهنگ حقوقی بلک، ۲۰۰۴: ۵۹۵) مثل حالتی که فردی شهادت بدهد، متهم شب حادثه در محل وقوع جرم، حضور نداشته است (Alibi Evidence).

در ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی بدون اینکه تعریفی از دلیل ذکر شود، صرفاً مصادیق آن آمده: «دلایل اثبات دعوی از قرار ذیل است: ۱- اقرار ۲- اسناد کتبی ۳- شهادت ۴- امارات ۵- قسم». در اصول فقه عنوان شده که «دلیل چیزی است که امور مجهول را واضح و روشن می‌کند و برای کشف واقع و پی بردن به حکم واقعی یا موضوعات احکام به کار می‌رود» (محمدی، ۱۳۸۱: ۲۷۳). یکی از ویژگیهایی که در تعریف دلیل علاوه بر کشف واقع مطرح می‌باشد، اقناع‌آوری دلیل برای قاضی است (Best, ۱۸۷۰: ۲۰۸). این ویژگی بخصوص در امور کیفری مطرح است؛ همچنان که ماده ۱۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸، اقرار را در صورتی معتبر می‌داند که هیچگونه شک و شبهه‌ای همراه آن نباشد.

تعریف دیگری از دلیل وجود دارد که در آن دلیل مجموعه «اطلاعاتی» است که هدفش اثبات موضوع مورد نظر می‌باشد (۱: Kean, ۲۰۰۰). لفظ «اطلاعات» هم کلی و هم غیر حقوقی است؛ زیرا می‌تواند مشتمل بر چیزهای مختلف باشد. علاوه بر این دلیل چیزی است که برای قاضی اقناع‌آور است. پس علی‌رغم نظر برخی (Tapper, ۱۹۹۹:۱) ضرورتی ندارد که «مأمور تحقیق» یا افرادی مانند آن به اقناع برسند. راجع به حقوق انگلیس می‌توان گفت که در قوانین خود تعریفی از دلیل به دست نداده‌اند، هرچند در قوانین مختلفی بحث ادله مطرح شده است. از جمله آنها، قانون ادله جزیایی مصوب ۱۸۹۸ (مواد ۱ تا ۳)، قانون شهادت دروغ مصوب ۱۹۱۱^۲ (مواد ۱۳ و ۱۴)، قانون تروریسم مصوب ۲۰۰۰^۳ (ماده ۱۲۰) و... می‌باشد. با مقایسه حقوق دو کشور در تعریف دلیل، هیچکدام به طور کامل نتوانسته‌اند در قانون موضوعه به آن پردازند و صرفاً حقوقدانان در عباراتی کوتاه، دلیل را تعریف نموده‌اند که بعضاً ناقص می‌باشد.^۴

۱-۱-۲. مفهوم بار اثبات

در حقوق جزا، اصل بر بی‌تقصیری و عدم مجرمیت می‌باشد. این اصل دارای آثاری است، از جمله اینکه بار اثبات بر عهده دادستان قرار می‌گیرد. تبصره ۲ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مؤید این مطلب است. اصل بی‌تقصیری در حقوق انگلیس به «نخ طلایی» (Golden Thread) معروف است. اصل ۳۷ قانون اساسی در حقوق ایران، مرتبط با این موضوع می‌باشد: «اصل، براءت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد».

توجه بار اثبات به دادستان دارای استثنائاتی است، به این معنی که گاه بار اثبات مقلوب می‌شود و متهم باید بی‌تقصیری خود را ثابت کند. از جمله این موارد، ماده

۱. Criminal Evidence Act ۱۹۸۹.

۲. Perjury Act ۱۹۱۱.

۳. Terrorism Act ۲۰۰۰.

۴. این تعریف می‌تواند برای دلیل ارائه شود: «دلیل آن چیزی است که برای اثبات موضوع، به منظور ایجاد اقناع برای قاضی و به هدف معلوم نمودن امور مجهول به کار می‌رود».

۵ تبصره ۳ و ماده ۲۸ تبصره ۳ «قانون سوء استفاده از مواد ممنوعه»^۱ می‌باشد. به موجب این قانون اگر مواد ممنوعه‌ای نزد فرد یافت شود، اصل بر این است که وی می‌دانسته این مواد ممنوعه‌اند، مگر اینکه خلاف آن را ثابت کند.^۲ در حقوق ایران طبق ماده ۱ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶: «اعمال زیر جرم است و مرتکب به مجازاتهای مقرر در این قانون محکوم می‌شود: ۱- کشت خشخاش و کوکا مطلقاً و کشت شاه‌دانه به منظور تولید مواد مخدر...».

همان‌گونه که از این ماده برمی‌آید، اصل بر این است که کشت خشخاش و کوکا برای مقاصد نامشروع است، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.

از موارد دیگری که در حقوق ایران بار اثبات مقلوب شده، ماده ۲۴۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ در باب لوٹ می‌باشد که اگر لوٹ، به موجب ماده ۲۳۹ ق.م.ا. ثابت شود، وظیفه مدعی علیه است که بی‌تقصیری خود را ثابت کند. از موارد دیگری که در حقوق انگلیس بار اثبات مقلوب شده، ماده ۵ تبصره ۱ بند ب «قانون ترافیک جاده‌ها»^۳ مصوب ۱۹۸۸ است که احتمال در حد مجاز بودن الکل موجود در خون، ادرار و نفس متهم مورد قبول نیست، مگر اینکه متهم آن را ثابت کند. همانگونه که لرد بینقام^۴ استدلال می‌کند، شاید پذیرش مقلوب شدن بار اثبات در قانون ترافیک جاده‌ها به دلیل خطر مرگ یا جراحتهایی باشد که توسط راننده مست ایجاد می‌شود و وی این توصیه را مستند به خطر اجتماعی، تاریخچه جرم و متناسب بودن قرار دادن بار اثبات بر دوش متهمی که نسبت به افعال خود آگاهی دارد، می‌داند (Tausz, ۲۰۰۵: ۲۱۳-۲۱۷).

۲-۱. مفهوم شهادت

ادله در حقوق انگلیس به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱- ادله مستقیم ۲- ادله غیر مستقیم. منظور از ادله مستقیم مواردی هستند که در آنها حواس پنجگانه دخیل می‌باشند،

۱. Misuse of Drug Act ۱۹۷۱.

۲. R v. McNamara, [۱۹۸۸].

۳. Road Traffic Act ۱۹۸۸.

۴. Lord Bingham.

مثل شهادت که به واسطه دیدن یا شنیدن تحقق پیدا می‌کند. در مقابل، ادله غیر مستقیم همان ادله اوضاع و احوال هستند که به واسطه قرائن و امارات و نه حواس، به نتیجه مطلوب می‌رسند (Allen, ۲۰۰۴: ۱۹).

از نظر حقوق انگلیس شهادت، یعنی خبر دادن از حادثه‌ای که در گذشته به وقوع پیوسته است. از نظر نویسندگان ایرانی نیز شهادت، یعنی خبر دادن از اموری که به واسطه حواس قابل درک می‌باشد و این اخبار به ضرر خود و به نفع غیر نمی‌باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷: ۳۹۳). پس شاهد بودن تقارنی با سلامت همه حواس ندارد. یعنی هر واقعه‌ای یکی از حواس را اقتضا می‌کند. مثلاً شهادت بر قتل با بینایی تقارن دارد، پس فرد کَر می‌تواند شاهد آن باشد. توهین، نیازمند شنیدن است و فرد کور می‌تواند به آن گواهی دهد.

یعنی بین استنباط از یک واقعه و دیدن یا شنیدن آن تفکیک قائل شده‌اند. به این معنی که وظیفه شاهد صرفاً بیان دیده‌ها یا شنیده‌هاست، نه بیان استنباط یا اظهار عقیده شخصی؛ زیرا اظهار عقیده درباره مسموع یا مرئی شاهد، با قاضی است. هر چند این امر دارای استثنائاتی است و آن اظهار نظر یا عقیده کارشناس است (حسینی‌نژاد، ۱۳۸۱: ۱۰۲).

۳-۱. مفهوم کارشناس به عنوان شاهد

در حقوق انگلیس کارشناس به نوعی شاهد است و برای کارشناس، لفظ شاهد را به کار می‌برند (Expert Opinion witness). نظر افراد خبره باید در حیطه تخصص آنها باشد و خارج از تخصص خود اظهار نظر زائدی نداشته باشند. متقابلاً زمانی از آنها دعوت به عمل می‌آید که اظهار نظر تخصصی آنها ضروری باشد. در غیر این صورت از آنها دعوت نمی‌شود. به عبارت دیگر زمانی که هیأت منصفه یا قاضی به تنهایی می‌توانند موضوع را پیگیری کنند و به اثبات برسانند، لزومی برای حضور خبره نیست. برای مثال در یک پرونده^۱ بیان شد که نظر افراد خبره می‌تواند راجع به موضوعات تخصصی نظیر بیماری روانی، علوم، تکنولوژی، مهندسی، هنر و... باشد که افراد عادی آشنایی کافی و کامل راجع به آنها ندارند. در مقابل افراد کارشناس

۱. R v. Turner [۱۹۷۵].

که شاهد نیز نام دارند، افراد و شهود غیر خبره (Non expert opinion witness) قرار دارند که در حقوق انگلیس نمی‌توانند نظر کارشناسی بدهند. به عبارت دیگر توصیفات آنها راجع به موضوع جرم یا صحنه جرم در حد توصیفات افراد عادی است، نه بیشتر. برای مثال در پرونده‌ای^۱ قاضی لرد مک درمونت^۲ نمونه‌هایی از توصیفات غیر تخصصی را بیان می‌کند که توسط شاهد ارائه شده و مورد پذیرش است: «تشخیص وضعیت افراد از جمله مرگ یا بیماری، وضعیت هیجانی مثل مضطرب بودن، عصبانی بودن، تشخیص وضعیت اشیا نظیر مرتب نبودن اشیا، تازه یا کهنه بودن چیزی و...» (Emson, ۲۰۰۴: ۳۵۴-۳۵۷).

علت اینکه به کارشناس، شاهد گفته می‌شود آن است که هرچند وی شاهد واقعه نبوده، استنباط و توضیح وی نسبت به موضوع، به جهت دقت، خود نوعی شهادت است. در برخی کتب فقهی از جمله مکاسب، از کارشناس برای تعیین قیمت معیوب و سالم، نظرخواهی می‌شود که در آنجا اهل خبره باید همان شرایط شاهد را داشته باشد (حسینی‌نژاد، ۱۳۸۱: ۱۰۳). در حقوق هر دو کشور هرچند در نظر برخی، کارشناس به نوعی ویژگیهای شاهد را دارد، در نظر اکثریت حقوقدانان، این دو از هم جدا بوده و در یک فصل بررسی نشده‌اند، در حقوق ایران در قانون آ.د.ک. نیز این دو تفکیک شده‌اند، و علی‌رغم اینکه در ماده ۲۰۲، تعدد مترجم، مانند شاهد ضروری ذکر شده، ولی در ماده ۲۰۳ با عبارت «... موارد رد مترجم همان جهات عدم پذیرش شاهد است» این دو را جدا نموده؛ زیرا در غیر این صورت، ضرورتی برای چنین تأکیدی در صورت یکسان بودن آنها وجود نداشت.

۴-۱. مفهوم شهادت بر شهادت^۳

گاه شاهد، مستقیماً واقعه را ندیده و نشنیده، ولی از فردی که شاهد امر بوده، نسبت به وقوع آن اطلاع یافته است. به عبارت دیگر مشهود^۴ به، خود شهادت دیگری است

۱. Sherrard v. Jacob [۱۹۶۵].

۲. Mac Deremott.

۳. معادل لفظ شهادت بر شهادت در حقوق انگلیس Hearsay می‌باشد که گاهی در ترجمه فارسی ادله افواهی یا مسموعات نیز گفته شده است.

که اصطلاحاً شهادت فرع یا شهادت بر شهادت می‌نامند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷: ۳۹۸). پس شهادت بر شهادت فقط نسبت به شنیده‌ها تحقق می‌یابد، نه دیده‌ها؛ یعنی شاهد فرع به بیان آنچه از شاهد اصلی شنیده می‌پردازد. در اصطلاح فقها، شهادت به دو شکل قابل تحقق است. گاهی شهادت به شکل تحمل شهادت است، یعنی در جایی که جرمی در حال وقوع است، فرد اقدام به دیدن یا شنیدن آن می‌کند و در مقابل اگر فردی اقدام به دیدن یا شنیدن جرم در هنگام وقوع آن نکند، عمل تحمل صورت نپذیرفته است و گاهی به صورت بیان شهادت است، یعنی فردی که واقعه مجرمانه را دیده یا شنیده و اصطلاحاً آن را تحمل نموده، در این مرحله به بیان واقعه در محکمه می‌پردازد (محقق داماد، ۱۳۷۷: ۵۹). در تعریف شهادت مورد اخیر مورد نظر است و شهادت بر شهادت نیز نسبت به «گواهی» شاهد اصلی تحقق می‌یابد.

در حقوق انگلیس شهادت بر شهادت (Hearsay Evidence)، یعنی استناد به سخنان (کتبی یا شفاهی) و اشارات ارائه شده، در خارج از دادگاه که اصل واقعه توسط فرد دیگری درک شده و ثالثی به عنوان فرع به نقل قول آنها در دادگاه می‌پردازد (Emson, op cit: ۱۴۰). شهادت بر شهادت ممکن است نسبت به مطالبی باشد که یک طفل یا یک بزرگسال در خارج از دادگاه ارائه نموده. پس فرقی در صلاحیت شاهد اصل وجود ندارد؛ زیرا در هر حال نتیجه یکسان است و آن عدم پذیرش شهادت بر شهادت در انگلیس است.

۲. مصادیق و ارزش شهادت بر شهادت

در این قسمت دو موضوع بررسی می‌شود. اول مصادیق مذکور در رویه و قانون که در ایران و انگلیس وجود دارد، سپس ارزش موارد مذکور مورد مذاکره قرار می‌گیرد. رویه، مختص به انگلیس بوده و قانون نیز در ایران بررسی می‌شود؛ زیرا انگلیس بیش از آنکه به این موضوع در قوانین خود پردازد، در رویه پرداخته است.

۲-۱. مصادیق رویه‌ای و قانونی

رویه انگلیس بررسی می‌شود تا دریافت چه مواردی از نظر حقوق انگلیس شهادت

بر شهادت می‌باشد و به این طریق به تمیز شهادت بر شهادت از سایر مفاهیم پرداخته شود. به همین منظور به برخی پرونده‌های مذکور در حقوق انگلیس اشاره می‌شود. در پرونده‌ای^۱ فرد «ب» متهم به لواط و قتل عمد یک پسر بچه ۱۲ ساله شد. وی برای دفاع از خود در صدد برآمد تا:

۱. ادله‌ای را ارائه کند که شخص ثالثی به نام «ام» اقرار به انجام جرایم فوق نموده است.

۲. ادله‌ای را ارائه کند که «ام» حرفهایی زده که نشان می‌دهد، قبل از پیدا شدن پسر بچه، می‌دانسته که قتل عمدی اتفاق افتاده است.

۳. فرد «ب» در صدد مجبور کردن «ام» برای حضور در دادگاه برآمد، تا نسبت به آنچه گفته، تحت سؤالات متقابل قرار گیرد.

در این جرم متهم با منحرف نمودن پرونده به سمت فرد ثالث، سعی در تبرئه خود داشته است و با ابراز دلایلی، به بی‌گناهی خود قوت بیشتری بخشید، ولی این موارد همگی از نظر حقوق انگلیس صرفاً شهادت بر شهادت بوده و نهایتاً درخواست او (ب) پذیرفته نشد و وی به هر دو فقره اتهام محکوم گشت. وی درخواست تجدید نظر به مجلس اعیان نمود بر این مبنا که:

اولاً اقرار فرد «ام» به طور نادرستی، نادیده گرفته شده است.

ثانیاً اظهارات «ام» باید به عنوان ادله‌ای که نشان از علم «ام» به وقوع قتل می‌باشد، مد نظر قرار گیرد.

با وجود این، مجلس اعیان ادله مورد نظر «ب» را به دلیل اینکه جزء شهادت بر شهادت بود نپذیرفت. تنها در یک صورت اظهارات «ام» شهادت بر شهادت نخواهند بود و آن در صورتی است که اقرار او نزد محکمه صورت گیرد و نه خارج از دادگاه که در این پرونده چنین اتفاقی نیفتاده است.

در پرونده‌ای^۲ فرد سفیدپوستی متهم به ایندای جنسی طفل ۳ ساله‌ای شد. طفل بعد از وقوع جرم، به مادرش گفت، که معجرم یک پسر سیاه‌پوست بوده است. متهم بر

۱. R v. Blastland [۱۹۸۵].

۲. Sparks v. R [۱۹۶۴].

این مبنا خود را مبرا فرض کرد. در حالی که قاضی و متعاقباً شورای سلطنتی اظهارات بزه‌دیده را صرفاً یک شهادت بر شهادت غیر قابل قبول در نظر گرفتند؛ زیرا اظهارات ارائه‌شده، با واسطهٔ مادر طفل به دادگاه منتقل شده است (Emson, op cit: ۱۴۴-۱۴۰).

در پروندهٔ دیگری^۱، راننده‌ای به پلیس اطلاع داد که یک ماشین نیشان به طور خطرناکی در اتوبان ام بیست و هفت، رانندگی می‌کند و شمارهٔ آن را نیز ذکر نمود. پلیس بعد از تحقیق دریافت که چنین ماشینی با این شماره، به فرد «د» کرایه داده شده است. در محاکمه، افسر پلیس راجع به شمارهٔ ثبتی گزارش شده حرفی نزد؛ ولی دادگاه بدوی بر مبنای ارتباط بین شمارهٔ دیده‌شده در اتوبان و ماشین «د» وی را محکوم نمود. دادگاه عالی حکم را بر این مبنا نقض نمود که ادلهٔ پلیس، جزء شهادت بر شهادت به حساب می‌آید؛ زیرا راننده‌ای که شاهد وقوع عمل بوده، مستقیماً نزد دادگاه شهادت نداده است.

باید توجه داشت که اگر شهادی حتی با ایما و اشاره، در نزد مأمورین تحقیق و در دادگاه به بیان مطلبی پردازد، مورد پذیرش است و شهادت بر شهادت به حساب نمی‌آید.^۲ این در واقع از استثنائات شهادت بر شهادت است که بعداً ذکر می‌شود. گاه شهادت بر اقرار مطرح است که باز هم مورد قبول نیست. مثلاً اگر فروشندهٔ اموال مسروقه به خریدار بگوید که این اموال را سرقت کرده‌ام، این جملات نمی‌تواند در دادگاه علیه او استناد شود؛ زیرا به نوعی شهادت بر شهادت و نقل قول هستند.^۳

بعد از مصادیق رویه‌ای، به موادی که در قوانین ایران در ارتباط با موضوع می‌باشد، اشاره می‌شود. در قانون مدنی، مادهٔ ۱۳۲۰ عنوان می‌دارد: «شهادت بر شهادت در صورتی مسموع است که شاهد اصل وفات یافته یا به واسطهٔ مانع دیگری مثل بیماری و سفر و حبس و غیره نتواند حاضر شود». این ماده موارد پذیرش شهادت بر شهادت را مقید به برخی دلایل موجه نموده است.

در مادهٔ ۲۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ آمده: «در کلیهٔ دعاوی که

۱. Ahmed v. DPP [۱۹۸۸].

۲. Chanrasekera v. R [۱۹۳۷].

۳. R v. Marshall, [۱۹۹۷].

جنبه حق الناسی دارد، اعم از امور جزایی یا مدنی (مالی و غیر آن) به شرح ماده فوق، هرگاه به علت غیبت یا بیماری، سفر، حبس و امثال آن حضور گواه اصلی متعذر یا متعسر باشد، گواهی بر شهادت گواه اصلی مسموع خواهد بود^۱. در این ماده نیز موارد پذیرش شهادت بر شهادت، محدود شده است.

۲-۲. ارزش شهادت بر شهادت

اصولاً در انگلیس، شهادت بر شهادت دلیل خوبی نیست؛ زیرا احتمال اشتباه و فراموشی در بازگویی مطلب توسط شاهد فرع، وجود دارد. در ضمن راستگویی گوینده (شاهد فرع) از طریق سؤالات متقابل سنجیده نمی‌شود.^۱ در ضمن شهادت بر شهادت، نوعی اظهارات ارائه شده در خارج از دادگاه می‌باشد که نمی‌توان گفت درست یا غلط‌اند. در غیر این صورت اگر این امر قابل تمییز باشد، آنها یک دلیل اصلی هستند.

در خصوص مبانی این دلیل در گذشته آمده:^۲ «دلیل اصلی بر اینکه سالها پیش، قضات شهادت بر شهادت را در شمار ادله قرار داده‌اند، شاید به خاطر ترسی بود که آنها از پذیرفته شدن این دلیل توسط هیأت منصفه به جهت عدم وجود سؤالات متقابل نسبت به آن داشتند». همچنان که گفته شده،^۳ مبنای بی‌ارزش بودن شهادت بر شهادت، عبارت از مشکل بودن ارزیابی و سنجش اظهاراتی است که هیأت منصفه مستقیماً شنیده و در معرض سؤالات متقابل قرار نگرفته است. شهادت بر شهادت در حقوق انگلیس دارای استثنائاتی است، یعنی در مواردی مورد پذیرش می‌باشد. از جمله زمانی که شاهد فرع، یک بار نیز خود واقعه را مستقیماً دیده یا شنیده باشد. یعنی علاوه بر اینکه آن واقعه را از کسی شنیده، خود نیز آن را دیده یا شنیده باشد. دومین استثنا زمانی است که شاهد فرع آنچه را بیان می‌کند؛ مثلاً به طور کتبی نوشته باشد که در این حالت نیز مورد پذیرش است.

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا شهادت بر شهادت می‌تواند در حد اماره (Presumption) دارای ارزش باشد؟ به نظر می‌آید بنا به دلایل ذیل

۱. Teper v. R [۱۰۵۲].

۲. R v. Sharp [۱۹۸۸].

۳. R v. Blastland [۱۹۸۵].

شهادت بر شهادت در حقوق انگلیس، اماره نیست:

۱. شهادت بر شهادت، به طور مستقل در فصلی جدا از امارات بحث می‌شود و هیچگاه در امارات به آن اشاره نشده است (Heydon, ۱۹۹۱: ۴۶-۶۵).
۲. در مورد شهادت بر شهادت، لفظ عدم پذیرش و عدم مقبولیت به کار می‌رود و هیچگاه بحث نشده که مورد پذیرش هستند، ولی درجه اثباتی کمتری دارند. این در حالی است که درباره امارات اگرچه احتمالات (Probabilities) مطرح می‌شود، ولی هیچگاه لفظ عدم پذیرش به کار نمی‌رود.
۳. در مورد استثنائات شهادت بر شهادت نیز، آنها به عنوان دلیل مورد قبول هستند نه اماره.

در مقایسه با حقوق ایران، منظور از شهادت بر شهادت بیان آن چیزی است که شاهد فرع خود مستقیماً آنها را حس نکرده یا ندیده، ولی دیده‌ها و شنیده‌ها یا سایر محسوسات فرد ثالثی را نقل می‌کند (شمس، ۱۳۸۴: ۲۳۱). ارزش شهادت، همانگونه که ماده ۱۲۵۸ ق.م. می‌گوید، در حد دلیل است. یعنی قطع آور است و بر خلاف امارات، ایجاد ظن نمی‌کند. اما آیا شهادت بر شهادت نیز اینگونه است یا اینکه شهادت بر شهادت ارزشی جدای از دلیل یا اماره دارد؟

راجع به ارزش شهادت بر شهادت می‌توان دو نظر را ابزار نمود. در یک نظر شهادت بر شهادت از دو جزء تشکیل یافته است. یک جزء آن اماره و جزء دیگر آن شهادت می‌باشد. طبق این نظر کسی که شاهد مستقیم می‌باشد، شهادتش بر طبق قواعد کلی، که همان پذیرش شهادت بر شهادت است، مورد قبول می‌باشد، ولی کسی که به طور غیر مستقیم و از زبان شاهد اصل به بیان واقعه می‌پردازد، سخنان وی با توجه به «اماره صحت» مورد پذیرش است. در نظر دومی آمده که اعتبار شاهد اصل نیز، بنا بر «اماره صحت و درستی» است و دلیلی بر اختصاص دادن این ویژگی به شاهد فرع وجود ندارد. لکن تفاوت واقعی این دو شاهد (اصل و فرع) از لحاظ ارزش در این است که اعتبار شاهد مستقیم، مبتنی بر اصل راستگویی و درستی دریافت اوست و اعتبار شاهد غیر مستقیم، علاوه بر آن اصل، مستلزم اصل راستگویی و درستکاری شاهد واسطه نیز هست (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۲۰-۲۱).

ماده ۲۳۱ ق.آ.د.م. راجع به شهادت بر شهادت می‌گوید: «در کلیه دعاوی که جنبه حق الناسی دارد، اعم از امور جزایی یا مدنی (مالی و غیر آن) به شرح ماده فوق، هر گاه به علت غیبت یا بیماری، سفر، حبس و امثال آن، حضور گواه اصلی متعذر یا متعسر باشد، گواهی بر شهادت گواه اصلی، مسموع خواهد بود». البته پذیرفتن شهادت بر شهادت همانگونه که مواردی از آن در ق.م. آمده، فقط در موارد مصرح مذکور و مواردی که در حد و اندازه این موارد باشند، مورد پذیرش است. در ضمن در حقوق ایران شهادت بر شهادت مورد پذیرش است و افزودن یک شاهد دیگر بر شاهد فرع نمی‌تواند مورد قبول باشد.

برخی بین استرعاء و شهادت بر شهادت تفکیک قائل شده‌اند. منظور از استرعاء این می‌باشد که شاهد اصل از دو نفر عادل می‌خواهد که شهادت او را برای رعایت حق و حفظ حقوق مشهود له، استماع کنند که این امری مجزا از شهادت بر شهادت است (شکاری، ۱۳۸۱: ۸۱). طبق نظر این عده از نویسندگان شهادت بر شهادت زمانی است که فردی در دادگاه حاضر است و می‌شنود که چهار شاهد عادل، شهادت بر زنا داده‌اند، در اینجا وی می‌تواند در محکمه حقوقی، اگر مورد شهادت نشر حرمت و مانع ازدواج باشد، شهادت بر شهادت دهد (همان: ۸۲).

قانون مدنی نیز با مضامین مشابه، به تکرار ماده ۲۳۱ ق.آ.د.م. در ماده ۱۳۲۰ پرداخته: «شهادت بر شهادت در صورتی مسموع است که شاهد اصل وفات یافته یا به واسطه مانع دیگری مثل بیماری و سفر و حبس و غیره نتواند حاضر شود». این ماده نیز مانند ق.آ.د.م. مصادیق شهادت بر شهادت را تمثیلی می‌داند. در قانون آ.د.ک. مصوب ۱۳۷۸ نیز تبصره ماده ۵۹ به شهادت بر شهادت اشاره نموده: «در مواردی که اقرار متهم و یا شهادت شاهد و یا شهادت بر شهادت شاهد، مستند رأی دادگاه باشد، استماع آن توسط قاضی صادرکننده رأی الزامی است».

در صورتی که چنین ماده‌ای نیز وجود نداشت، باز هم به موجب ماده ۲۳۱ ق.آ.د.م. شهادت بر شهادت در امور کیفری پذیرفته شده بود؛ زیرا ماده ۲۳۱ شامل همه امور اعم از مدنی و جزایی است. هر چند این ایراد باقی است که چگونه ق.آ.د.م. برای امور کیفری تکلیف معین نموده است.

در مقایسه حقوق ایران با انگلیس، حقوق ایران شهادت بر شهادت را پذیرفته و این امر مستند فقهی دارد، ولی این پذیرش فقط در امور حق الناسی است. پس در اموری مثل زنا، شرب خمر و مانند آن وجود شاهد اصل ضروری است. عدم پذیرش آن در انگلیس به رویه قضایی برمی گردد، همانگونه که پذیرش آن در برخی از موارد استثنایی نیز به همین دلیل می باشد. در حقوق ایران به منظور جلوگیری از پایمال شدن حقوق افراد و با توجه به اینکه موارد شهادت بر شهادت کم نیستند و در صورت عدم پذیرش معضلات زیادی را ایجاد می کرد و با توجه به سابقه فقهی، مورد پذیرش قرار گرفته اند. به این ترتیب پذیرش آن در حقوق ایران نیز مطلق نبوده و دارای استثنائاتی است (عدم پذیرش در حق الله، عدم پذیرش در صورتی که عسر و حرجی برای حضور شاهد اصلی نباشد، عدم پذیرش شاهد سوم؛ زمانی که شاهد فرع از فرد دیگری نقل می کند) و از جهت این استثنائات با حقوق انگلیس شبیه می باشد.

۳. مفاهیم نزدیک به شهادت بر شهادت

گاه شهادت بر شهادت وجود ندارد، ولی اموری شبیه به آن مطرح می باشد که ایجاد شبهه می کند که چه چیز هستند. این موارد خود به سه بخش تقسیم می شوند:

- ۱- دلیل اصلی ۲- ادله الکترونیکی ۳- شیعاع. این مفاهیم گاه قرابت و گاه وجوه افتراقی با شهادت بر شهادت دارند که بررسی آنها ضروری است.

۳-۱. دلیل اصلی^۱

مفهومی که ممکن است با شهادت بر شهادت در حقوق انگلیس خلط شود، «دلیل اصلی» است. منظور از دلیل اصلی، دلیلی می باشد که اگرچه خارج از دادگاه ابراز شده، دارای آن چنان قوت و اعتبار است که می تواند مستند حکم قرار گیرد. مثلاً در دعوایی که فرد، متهم به خرید اموال مسروقه است، دادستان می تواند به این دلیل استناد کند که سارق در زمان فروش مال، به مال خر گفته، آنها مسروقه اند و این یک

۱. Original Evidence.

دلیل اصلی است نه شهادت بر شهادت.

حالت دیگر این است که اگر متهمی دفاع اکراه را ارائه کند، به قصد اثبات عدم انجام عمل نیست (یعنی وی اصل عمل را قبول دارد، در حالی که در شهادت بر شهادت فرد اصل عمل را قبول نداشت)، بلکه هدفش توجیه انجام عمل مجرمانه است. در اینجا برای فهم اینکه آیا اکراهی وجود داشته، باید متوسل به قرینه شد. مثلاً در دعوی قتل اگر مکره مدعی اکراه باشد، باید از طریق قرائنی ثابت کند که اعتقاد وی به عملی شدن تهدید، معقول بوده است. این قرائن می‌تواند قدرت فیزیکی تهدیدکننده و...، یعنی قرائنی برای اثبات معقول بودن تفکر او باشد. مفاهیم فوق اگرچه راجع به وقایع خارج از دادگاه می‌باشد، قرابتی با شهادت بر شهادت نداشته و در انگلیس مورد پذیرش هستند.

در پرونده‌ای^۱ متهم در نگهداری غیر قانونی مهمات جنگی، دفاع اکراه را مطرح نمود. شورای سلطنتی گفت که باید به متهم اجازه داد تا ادله‌ای را ارائه کند که اگر این کار را نمی‌کرد یا به قتل می‌رسید یا به شدت، مجروح می‌شد. دلیل اصلی در اینجا تهدید می‌باشد که هرچند در خارج از دادگاه تحقق یافته، نقل قول آن شهادت بر شهادت نیست.

در یک تقسیم‌بندی ادله اصلی به ادله صریح (یا واژگان مؤثر) (Operative words) و ادله ضمنی تقسیم می‌شوند. ادله نوع اول به جهت صراحتی که در صحت و سقم امور دارند، مورد پذیرش هستند (برعکس شهادت بر شهادت که درستی و نادرستی آن مشخص نبود).

برای حالت اول پرونده‌ای^۲ مطرح است که در آن فردی به موجب ماده ۳۳ قانون جرایم جنسی مصوب ۱۹۵۶^۳ متهم به اداره یک فحشاخانه شد. دلیل موجود در پرونده اظهاراتی بود که پلیس راجع به کشف آلات جنسی برای استمناء، وجود زنانی برای ارائه خدمات و... بیان داشت. دادگاه مجستریت این اظهارات را شهادت

۱. Subramaniam v. Public Prosecutor [۱۹۵۶].

۲. Woodhose v. Hall, [۱۹۸۰].

۳. Sexual Offences Act ۱۹۵۶.

بر شهادت دانست، ولی دادگاه تجدید نظر آنها را «ادله اصلی صریح»، فرض نمود و مورد پذیرش قرار داد.

در پرونده دیگری «ادله اصلی ضمنی»، مطرح شد که مورد پذیرش نیستند. فرد «تی»، صاحب مغازه، متهم به آتش زدن عمدی مغازه جهت گرفتن خسارت از بیمه شد. در طی محاکمه از افسر پلیسی دعوت به عمل آمد. وی گفت که در شب حادثه از زن ناشناسی شنیده که فریاد می‌زد: «مغازه شما (متهم) آتش گرفته، از آتش فاصله بگیرید». جمله اخیر نشان از حضور متهم در شب حادثه بوده که بیانگر عمدی بودن آتش‌سوزی است. وی محکوم شد، ولی متعاقباً شورای سلطنتی محکومیت را نقض نمود؛ زیرا این ادله صریح نبودند و در حد شهادت بر شهادت ارزش داشتند. در حالی که در پرونده قبل، وجود آلات مرتبط با ارائه خدمات جنسی، جزء ادله صریح بودند؛ زیرا هر زمان دسترسی و استناد به آنها ممکن بود (Emson, op cit: ۱۴۵-۱۶۱).

در مقایسه با حقوق ایران بسیاری از موارد مذکور جزء شهادت بر شهادت بوده و مورد پذیرش هستند و در مواردی نیز که به عنوان شهادت بر شهادت قابل احتساب نیستند؛ جزء امارات بوده و در حد ظنون قابل استناد هستند. البته باید توجه داشت که در تطبیق آنها بر امارات، قانونی یا قضایی بودن اماره را باید مد نظر قرار داد و بعد از تمیز قضایی یا قانونی بودن، برای هر کدام ارزش خود را قائل شد. ماده ۱۳۲۱ ق.م. در تفکیک امارات عنوان می‌دارد: «اماره عبارت از اوضاع و احوالی است که به حکم قانون یا در نظر قاضی دلیل بر امری شناخته می‌شود».

۲-۳. ادله الکترونیکی و بررسی شیاع

در دو نظام حقوقی، ممکن است ادله‌ای مثل ثبت ویدئویی، رادار، نمایش تلویزیونی، اطلاعات کامپیوتری و... مطرح شود. چنین ادله‌ای در چه قالبی قرار می‌گیرند و ارزش اثباتی آنها، به چه میزان است؟ دو گزینه برای آنها وجود دارد: ۱- شهادت بر شهادت ۲- اماره.

چنین مواردی در انگلیس، شهادت بر شهادت نیست؛ زیرا شهادت بر شهادت در

حقوق انگلیس، همواره با یک واسطه انسانی همراه است نه ابزار. اماره نیز نمی‌تواند باشد؛ زیرا ویژگیهای اماره را ندارد و در رویه قضایی و قانون جزء اماره شمرده نشده است. چنین مواردی در حقوق انگلیس جزء «ادله واقعی» (Real Evidence) است و دارای ارزش اثباتی بالایی است. پس تصاویر تلویزیون^۱ یا ضبط صوت^۲ دارای اعتبار است. در پرونده «یادمان آزادی»^۳ رأی داده شد که ثبت رادار دارای اعتبار «دلیل واقعی» است.

با وجود این، در مورد هر ماشین و سیستمی که فرد انسانی به آن اطلاعات می‌دهد، مانند کامپیوتر، اخیراً تردیدهایی به وجود آمده است. این تردیدها منتهی به این امر شد^۴ که (مخصوصاً در سازمانهای دولتی در صورتی که احتمال استفاده چند نفر از یک کامپیوتر و اطلاعات آن وجود دارد) تا حدی ارزش اطلاعات کامپیوتر، بسته به ارزیابی دقیق هیأت منصفه باشد. با وجود این، رویه قضایی انگلیس همچنان در دعوی مختلف^۵ برای ثبت رایانه‌ای و حتی ثبت دستگاه، ارزش یک دلیل واقعی را قائل هستند، از جمله آنها سرعت سنج و یا هر دستگاه دیگری است که دارای حافظه می‌باشد. شاید این ایراد وارد شود که شاهد نیز دارای حافظه است. ولی باید توجه داشت که حافظه شاهد، قابل خدشه و ضعیف شدن است. به همین جهت می‌باشد که قاضی مک فرسون^۶ فرق بین شاهد و دستگاه را اساسی دانسته و به دستگاه ارزش یک دلیل واقعی را می‌دهد.^۷

در حقوق ایران قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، قانون آیین دادرسی مدنی و قانون مدنی راجع به ادله الکترونیک مطلبی ذکر نکرده‌اند و فقط در قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲، موادی به این امر و ارزش اثباتی اطلاعات رایانه اختصاص

۱. Kajala v. Nobel [۱۹۸۲].

۲. R v. Maqsd Ali [۱۹۶۵].

۳. Statue of Liberty [۱۹۶۸].

۴. R v. Coventry.

۵. Garner v. D.P.P [۱۹۸۹] ۹۰ Cr. App. R. ۱۷۸.

۶. Mac Pherson.

۷. Case Comment, Computer Printouts-Real Evidence or Documentary Evidence, Criminal Law Review, ۱۹۹۱, Mar, pp. ۱۹۹-۲۰۲.

داده شده است. در ماده ۱۲ قانون تجارت الکترونیک راجع به ادله الکترونیک ذکر گردیده: «اسناد و ادله اثبات دعوی ممکن است به صورت داده پیام بوده و در هیچ محکمه یا اداره دولتی نمی‌توان بر اساس قواعد ادله موجود، ارزش اثباتی «داده پیام» را صرفاً به دلیل شکل و قالب آن رد کرد». مفهوم داده پیام^۱ در ماده دو بیان شده که هر نمادی از واقع، اطلاعات یا مفهوم که با وسایل الکترونیکی، نوری و یا فناوریهای جدید اطلاعات تولید، ارسال، دریافت، ذخیره یا پردازش می‌شود.

چنین مواردی در حقوق ایران جزء ادله شهادت نیستند؛ زیرا شاهد، فرد انسانی می‌باشد نه ابزار. از طرفی شهادت بر شهادت نیز نمی‌باشد؛ زیرا واسطه در شهادت بر شهادت، انسان است نه ابزار. پس چنین مواردی نمی‌توانند دلیل به معنای اخص (قطع آور)، باشند. تنها حالتی که باقی می‌ماند این است که چنین مواردی اماره فرض شوند. ولی یک انتقاد اساسی وارد است و آن اینکه چرا چنین مواردی که گاه درصد خطای آنها صفر می‌باشد، اماره بوده و جزء ظنون هستند، ولی شهادت یک فرد انسانی که احتمال خطا، نسیان و... در آن وجود دارد، جزء ادله بوده و قطع آور است!

موضوع دیگری که می‌توان بررسی کرد، مقایسه «شیاع» و شهادت بر شهادت است. در حقوق ایران موردی را می‌توان مثال زد که در آن شاهد فرع، سخنان هیچ شاهد اصلی را نقل قول نمی‌کند، بلکه صرفاً سخنانی را که در نزد مردم دهان به دهان بازگو می‌شود، مستند قرار می‌دهد. چنین موردی به طریق اولی در حقوق انگلیس مورد پذیرش نیست؛ زیرا وقتی سخنان شاهد فرع که با یک واسطه به بازگویی موضوع می‌پردازد مورد پذیرش نمی‌باشد، چگونه در شیاع که تعداد واسطه‌ها در آن بیشتر نیز می‌باشد مورد پذیرش باشد. به لحاظ فقهی نیز چنین موردی اعتبار ندارد. هرچند در برخی موارد، ناگزیر از پذیرش آن هستیم. مثلاً وقتی طفلی متولد می‌شود و تنها افراد قلیلی آن را دیده‌اند، ولی تعداد زیادی می‌دانند که طفل متعلق به آن خانواده است، در صورت عدم پذیرش شیاع، مشکلاتی پیش خواهد آمد (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۲۱-۲۲).

۱. Data message.

از طرفی شیاع به اماره نزدیکتر است تا دلیل (شهادت)؛ زیرا:

۱. شهادت کسانی را شامل می‌شود که در واقعه حضور فیزیکی داشته‌اند و از طریق یکی از حواس خود واقعه را درک کرده‌اند و شامل سایرین نیست.
۲. اصل در شیاع عدم پذیرش است و این اصل به امارات که جزء ظنون هستند و اصل در آنها عدم پذیرش می‌باشد، نزدیکتر است (همان: ۲۳).

نتیجه‌گیری

در بررسی برخی موضوعات، ریشه قواعد و قوانین می‌تواند در نوع نتایج حاصل مؤثر باشد. مبنای فقهی شهادت بر شهادت ما را از دستیابی به نتایج متعدد، بی‌نیاز نموده و باعث تأثیر و تصدیق همان تصوراتی می‌شود که در قانون ذکر شده است. قانونگذار نیز با فراغ کامل از اینکه در عمل چه معضلاتی وجود دارد، به تقنین پرداخته و در عباراتی کوتاه تکلیف موضوع را با ابتر گذاشتن آن، کامل فرض نموده است. اولین نتیجه حاصل وجود نواقصی است که بین قانون و بستر اجرایی آن (دادگاه) وجود دارد. حل نکردن برخی موضوعات از جمله شهادت بر اقرار که در باب قسامه و فقط در لوث آمده، قابل ذکر می‌باشد. این در حالی است که حکم خاصی راجع به آن در سایر مباحث کیفری و حقوقی وجود ندارد.

حقوق دو کشور راجع به یک موضوع، هر یک به راهی متفاوت رفته‌اند که نشان از ناهمگرایی و شاید اهداف متمایز دارد. این اولین باری نیست که چنین مواردی دیده می‌شود و البته هر کشور را و می‌دارد تا تأمل بیشتر در قواعد خود نموده و با دیدگاهی منتقدانه‌تر حقوق خود را بررسی کنند.

جایگاه شهادت در میان مصادیق یقینی و ظنی، بنا بر تأکید قانون، تمایل به امور یقینی است. شهادت بر شهادت جزء دلایل است و اماره بودن آن در معنای خاص دلیل، جایگاهی ندارد. هرچند قانون مدنی در ماده ۱۲۵۸ به بی‌راهه رفته و اماره را شامل دلایل می‌داند. البته قوانین راجع به ادله، منتج به این می‌شود که تشخیص «دی.ان.ای» که از دقیق‌ترین طرق کشف جرایم است، اماره بوده و ظنی، ولی شهادت بر شهادت که در آن احتمال خطا هست، جزء دلایل محسوب گردد.

کتاب‌شناسی

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *ترمینولوژی حقوق*، چاپ نهم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۷ ش.
۲. حسینی نژاد، حسینقلی، *ادله اثبات دعوی*، تهران، انتشارات دانش نگار، ۱۳۸۱ ش.
۳. شکاری، روشعلی، *ادله اثبات دعوی*، تهران، انتشارات نسل نیکان، ۱۳۸۱ ش.
۴. شمس، عبدالله، *آیین دادرسی مدنی*، جلد سوم، چاپ سوم، تهران، انتشارات دراک، ۱۳۸۴ ش.
۵. کاتوزیان، ناصر، *اثبات و دلیل اثبات*، جلد دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۳ ش.
۶. محقق داماد، مصطفی، *قواعد فقه ۳ (پخش قضایی)*، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
۷. محمدی، ابوالحسن، *مبانی استنباط حقوق اسلامی*، چاپ پانزدهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۱ ش.
۸. Allen, Christopher, *Practical Guide to Evidence*, ۳rd Edition, Cavendish Publishing, London, ۲۰۰۴.
۹. Best, W. M., *Principles of the Law of Evidence*, ۵th Edition, H Sweet, London, ۱۸۷۰.
۱۱. Case Comment, Computer Printouts – Real Evidence or Documentary Evidence, *Criminal Law Review*, ۱۹۹۱.
۱۲. Emson, Raymond, *Evidence*, ۲nd Edition, Palgrave Publishing, London, ۲۰۰۴.
۱۰. Garner, Bryan, A., *Black's Law Dictionary*, ۸th Edition, West Publishing, US, ۲۰۰۴.
۱۳. Heydon, J. D. & Mark Ockelton, *Evidence (Cases and Materials)*, ۳rd Edition, Botterwoths Publishing, ۱۹۹۱.
۱۴. Kean, A., *The Modern Law of Evidence*, ۵th Edition, Butterworth, London, ۲۰۰۰.
۱۵. Tapper, C., *Cross and Tapper on Evidence*, ۹th Edition, Butterworth, London, ۱۹۹۹.
۱۶. Tausz, Dilys and A. J. Ashworth, *Case Comment: Burden of Proof: Whether Reverse Burden of Proof on Road Traffic and Terrorism Legislation in Compatible with Presumption of Innocence in Art ۶(۲) of the European Convention on Human Rights*, *Criminal Law Review*, ۲۰۰۵.